

## زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

سال ۵، شماره ۲ (بایز و زمستان ۱۳۹۹) شماره صفحات: ۲۹۵ - ۳۱۴

### بررسی دستگاه واجی گویش لکی کوهدشت

رامیه گراوند<sup>۱</sup>، غلامحسین کریمی‌دوستان<sup>۲\*</sup>، وحید غلامی<sup>۳</sup>، امید ورزنده<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.
۲. استاد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۳. استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.
۴. استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

#### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی و توصیف همخوان‌ها، واکه‌ها، ساختمان هجا و خوشه‌های همخوانی گویش لکی کوهدشت می‌پردازد. روش پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی است. گردآوری داده‌های مورد مطالعه در این پژوهش به صورت میدانی با ضبط گفتار گویشورانی با محدوده سنی بین ۳۰ - ۷۰ سال و با استفاده از منابع مکتوب و دانش زبانی یکی از نگارندگان صورت گرفته است که گویشور بومی است. داده‌های این تحقیق براساس الفبای آوانویسی بین‌المللی IPA آوانگاری شده‌اند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که دستگاه واجی این گویش دارای ۲۷ همخوان است. فهرست واکه‌های این گویش متشکل از ۹ واکه ساده و شش واکه مرکب از منظر آواشناسی است. ساختمان هجا در این گویش به صورت C(C)V(C)(C) است، همچنین خوشه بیش از دو همخوان چه در جایگاه آغازی و چه در جایگاه پایانی هجا در این گویش وجود ندارد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در این گویش و در ساخت‌های هجایی با یک همخوان در آغاز، همخوان های /L,ŋ,r/ نمی‌توانند در آغاز هجا قرار بگیرند و در ساخت‌های هجایی با دو همخوان در آغاز، همخوان دوم فقط می‌تواند /w/ یا /y/ باشد و هیچ همخوان دیگری نمی‌تواند باشد.

#### تاریخچه مقاله:

دریافت: ۲۶ اسفندماه ۹۸  
پذیرش: ۱۰ تیرماه ۹۹

#### واژه‌های کلیدی:

گویش لکی  
همخوان  
واکه  
ساختمان هجا  
خوشه همخوانی

## ۱. مقدمه

بنابر تقسیم‌بندی گویش‌ها و زبان‌های ایرانی توسط زبان‌شناسان، گویش لکی یکی از اعضای زبان‌های ایرانی شاخه شمال غربی است (ویندفور<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹؛ دبیرمقدم، ۱۳۹۳). محل اصلی اقامت لک‌ها سرزمینی است که به صورت نیم دایره‌ای از سر منشأ آن، یعنی جنوب همدان شروع می‌شود و تا انتهای آن یعنی شمال خوزستان ادامه می‌یابد (شهبازی، ۱۳۶۹). به بیان دقیق‌تر، منطقه لکستان شامل جنوب غرب استان همدان، جنوب و جنوب شرق استان کرمانشاه، غرب و شمال غرب استان لرستان، شرق استان ایلام و شمال خوزستان می‌شود. افزون بر این، گسترش این گویش در استان‌های دیگر چون قزوین، مازندران، شمال خراسان و ورامین در استان تهران بسیار چشم‌گیر است.

آنونبی<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) لک‌ها را یک گروه قومی-زبانی می‌داند که به دو دسته لک‌های منطقه پیشکوه شامل استان لرستان و لک‌های پشتکوه شامل استان‌های ایلام، کرمانشاه و مناطق همجوار عراق تقسیم می‌کند که در این میان دسته اول خود را لر می‌دانند و دسته دوم هم با کردها پیوندهای قوی دارند. او (۲۰۰۴) بر این اعتقاد است که اگر چه این گروه از لک‌های پیشکوه مستقر در لرستان، لر در نظر گرفته می‌شوند اما گویش لکی آنان عملاً در دسته زبان‌های ایرانی شمال غربی جایی می‌گیرد که خویشاوندی نزدیکی با کردی نشان می‌دهد. آنونبی (۲۰۰۴) از مینورسکی<sup>۳</sup> (۱۹۸۶) نقل می‌کند که می‌گوید: لک‌ها جنوبی‌ترین دسته کردها هستند که اوایل سلطنت شاه عباس صفوی به لرستان کوچانده شده‌اند و گاهی اوقات لر در نظر گرفته می‌شوند. امان‌الهی (۱۳۷۰) به همبستگی فراوان زبان لکی با گویش گورانی و گویش کرمانشاهی اشاره می‌کند.

<sup>۱</sup> G. Windfuhr

<sup>۲</sup> E. Anonby

<sup>۳</sup> V. Minorsky

<sup>۴</sup> G. Lazard

آن‌چه مسلم است، در میان گویشوران هر یک از شهرهای لکنشین گونه‌ای از این گویش متداول است. این گونه‌ها بسته به موقعیت جغرافیایی ساکنان آن تفاوت‌های نسبی آوایی و واژگانی دارند. به طور کلی، گویش گویشوران لکنشین هم‌مرز با اقوام کرد، تاثیراتی از نظر آوایی و واژگانی از گویش کردی پذیرفته‌اند و در نواحی هم‌مرز با مناطق لرنشین، تاثیر گویش لری مشهود است؛ چنان‌که گونه هرسینی از گویش‌های کردی و گونه بیرانوندی و چغلوندی از گویش‌های لری لرستان تاثیر پذیرفته‌اند.

گویش لکی که در استان لرستان بیش‌ترین گویشور را دارد، هم‌اکنون در شمال و شمال غربی لرستان به ویژه در شهرستان‌های کوه‌دشت، نورآباد، الشتر و بخش‌هایی از شهر خرم‌آباد و بروجرد بدان تکلم می‌شود. لازار<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) به نقل از آنونبی (۲۰۰۴) به شباهت لکی پیشکوه (که لکی کوه‌دشت را شامل می‌شود) با همسایگان زبانی خود یعنی لری و کردی اشاره می‌کند؛ این امر در تقابل با ادعاهای برخی از پژوهش‌های انجام‌شده (رحیمی، ۱۳۷۹) درباره لکی پیشکوه است. این پژوهش‌ها از عاری بودن نسبی این گویش از واژه‌های زبان‌های دیگر بحث کرده‌اند، هر چند به نظر می‌رسد این مطالب نیاز به بررسی زبان‌شناختی بیش‌تر دارند.

در این پژوهش گونه‌ای از گویش لکی مربوط به شهرستان کوه‌دشت در استان لرستان بررسی می‌شود. کوه‌دشت در غرب استان لرستان واقع شده است. ساکنان کوه‌دشت به دو گویش لکی و لری تکلم می‌کنند. لک‌های کوه‌دشت چون سایر اقوام دارای طوایف و ایلات متفاوتی هستند. میان گویشوران ایلات و طوایف در شهر کوه‌دشت علی‌رغم تفاوت‌های اندکی که از نظر آوایی و واژگانی دارند، بی‌هیچ مشکلی فهم متقابل صورت می‌گیرد. در این راستا، پژوهش پیش رو با هدف بررسی و توصیف ساختمان هجا، تعداد همخوان‌ها و واکه‌ها و خوشه‌های همخوانی در گویش لکی کوه‌دشت صورت گرفته است.

## ۲. پیشینه تحقیق

مطالعات اندکی درباره واج‌ها گویش لکی وجود دارد که در ادامه به معرفی پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه پرداخته می‌شود.

میرچراغی (۱۳۶۹) به بررسی ساختمان دستوری گویش لکی خواجهوندی در منطقه کلاردشت در استان مازندران پرداخته است. این مطالعه گویش لکی را دارای ۲۳ همخوان، ۸ واکه (مشمول بر ۶ واکه ساده و ۲ واکه مرکب) می‌داند. همخوان‌ها در این گویش با استفاده از تعیین مشخصه‌های زبان‌شناختی مانند جایگاه تولید، شیوه تولید و واگذاری و واکه‌ها با مشخصه ارتفاع، پسین و پیشین بودن از هم متمایز می‌شوند.

ناطوریان (۱۳۸۳) در بررسی نظام آوایی گویش لکی هرسین از دیدگاه انگاره واج‌شناسی زایشی استاندارد، این گویش را بدون در نظر گرفتن محدودیت‌های حاکم بر باهم‌آیی همخوان‌ها و واکه‌ها دارای ۶ نوع هجا می‌داند. وی قائل به ۱۲۷ همخوان و ۴۰ واکه به صورت واج‌گونه برای این گویش است. در این پژوهش بدون اشاره به چگونگی تعلق واج‌گونه‌ها به واج‌های مرتبط با جفت‌های کمینه، بحث واج‌گونه‌ها بررسی شده است.

امیدی (۱۳۸۸) نظام آوایی گویش لکی دلفان را در چارچوب واج‌شناسی زایشی مورد بررسی قرار می‌دهد. او این گویش را دارای ۳۸ واج می‌داند که از این تعداد ۲۶ واج همخوان و ۱۲ واج واکه هستند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهند که همخوان‌های این گویش براساس شیوه تولید، متضمن ۷ همخوان انسدادی، ۳ همخوان خیشومی، ۴ همخوان روان و ۲ همخوان انسایشی هستند. همچنین، واج‌ها در هر کدام از دسته‌های طبیعی فوق به واسطه جایگاه تولید متفاوت هستند و این امر سبب ایجاد واگذاری و بی‌واکی می‌شود. واکه‌های این گویش نیز در سه دسته طبیعی دسته‌بندی می‌شوند؛ واکه‌های پیشین ۷ واج، واکه‌های پسین ۴ واج و واکه مرکزی یک واج دارد. تمایز این واج‌ها به واسطه ارتفاع زبان، گردی لب‌ها و کشش ایجاد می‌شود. علاوه بر این، نویسنده اعتقاد دارد که این گویش واکه مرکب ندارد.

فریدونی (۱۳۹۰) در بررسی نظام آوایی گویش لکی کنگاور در چارچوب واج‌شناسی زایشی بر آن است که تمام واج‌های این گویش با مکانیسم ششی برون‌سو ایجاد می‌شوند. او (۱۳۹۰)

این گویش را دارای ۳۷ واج می‌داند که از این تعداد ۲۵ همخوان و ۱۲ واکه هستند. تمایز واج‌ها در هر کدام از این دسته‌ها به واسطه جایگاه تولید متفاوت و واکداری و بی‌واکی ایجاد می‌کند؛ ارتفاع زبان، گردی لب‌ها و کشش سبب تمایز واکه‌ها می‌شود. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که در این گویش واکه مرکب وجود ندارد. بر اساس شیوه تولید، همخوان‌های این گویش متضمن ۶ همخوان انسدادی، ۳ همخوان خیشومی، ۴ همخوان سایشی و دو همخوان انسایشی هستند. میردهقان، نوری و حسینی‌کارگر (۱۳۹۳) به توصیف واکه‌های ساده در گویش لکی نورآبادی در تقابل با فارسی نوشتاری معیار می‌پردازند. این مطالعه واکه‌های ساده در این گویش را به چهار دسته پسین و گرد [a:/, /a:/, /ɔ/, /ɔ:/, /u/, /a/ /a:/, /ə/، پیشین و گسترده [a:/, /a:/, /ɔ:/, /ɔ:/, /u:/, /u:/, /ə:/, /ə:/] و مرکزی [ɜ:/, /ə:/] تقسیم می‌کند و نظام واکه‌ای این گویش را مشتمل بر ۱۶ واکه در تقابل با ۶ واکه زبان فارسی برمی‌شمرد.

همان‌طور که دیده می‌شود، تاکنون هیچ پژوهشی واج‌ها را در گویش لکی کوهدشت بررسی نکرده است. اکثر مطالعات پیشین، به ساخت فعل، مباحث نحوی و فرایندهای واژه‌سازی لکی کوهدشت پرداخته‌اند. هدف پژوهش پیش‌رو بررسی و توصیف تعداد همخوان‌ها و واکه‌ها، ساختمان هجا و خوشه‌های همخوانی در این گویش است.

### ۳. روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش میدانی و کتابخانه‌ای است. این تحقیق بر آن است که به توصیف و تحلیل همخوان‌ها و واکه‌ها، ساختمان هجا و خوشه‌های همخوانی در گویش لکی بپردازد. گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه با ۱۰ نفر از گویشوران بومی باسواد و بی‌سواد صورت گرفته است. این گویشوران که پنج زن و پنج مرد در طیف سنی بین ۳۰-۷۰ سال بودند. علاوه بر این، داده‌های تحقیق با بهره‌گیری از دانش زبانی یکی از نگارندگان نگاشته شده است که گویش‌ور بومی گویش لکی کوهدشت است. همچنین از منابع مکتوب در این زمینه استفاده شده است. آوانگاری این پژوهش براساس جدول الفبای آوانگاری بین‌المللی (IPA) است و نشانه‌های آوایی همخوان‌های لکی بر این اساس ارائه شده‌اند. در این مقاله برای شناسایی و معرفی همخوان‌ها و

واکه‌ها، از جفت‌های کمینه استفاده شده است و توزیع واج‌ها در موضع آغازی، میانی و پایانی در کلمه نشان داده شده است.

#### ۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش واج‌های گویش لکی معرفی می‌شوند و برای استخراج واج‌ها از روش ارائه جفت‌های کمینه استفاده می‌شود. توزیع واج‌ها در این گویش در سه جایگاه آغازی، میانی و پایانی واژه با مثال نشان داده می‌شود.

#### ۴-۱. معرفی همخوان‌ها و واکه‌های لکی

گویش لکی ۲۷ همخوان و ۹ واکه ساده دارد که به ترتیب در جدول‌های (۱) و (۲) نشان داده شدند.

#### ۴-۱-۱. همخوان‌ها

در این بخش و در جدول (۱) همخوان‌های گویش لکی بر اساس شیوه تولید و جایگاه تولید بررسی و توصیف می‌شوند.

جدول (۱)

توصیف و طبقه‌بندی همخوان‌ها

همخوان	گویش لکی	معادل فارسی	جفت‌های کمینه	فارسی
مشخصه آوایی /p/:	آغازی	/par/	پارسال	بار
همخوان، دولبی،	میانی	/kæpær/	کپر	کمر
انسدادی، بی‌واک	پایانی	/gwep/	گونه (صورت)	گل
مشخصه آوایی /b/:	آغازی	/bix/	بیخ، بن	میخ
همخوان، دولبی،	میانی	/keber/	مغرور	کم‌شدن
انسدادی، واگذار	پایانی	/fab/	پودر رختشویی	اسم خاص
مشخصه آوایی /t/:	آغازی	/to/	تو	دو
همخوان، دندانی،	میانی	/tataæ/	عمو	صدای آب
انسدادی، بی‌واک	پایانی	/bæxt/	بخت	تخت

همخوان	گویش لکی	معادل فارسی	جفت‌های کمینه	فارسی
مشخصهٔ آوایی /d/:	آغازی /dax/	داغ	آغازی /bax/	باغ
همخوان، دندانی،	میانی /hævdæ/	هفده	میانی /ʔævdæ/	اسم خاص
انسداد، واکنار	پایانی /sæd/	صد	پایانی /hæd/	حد و اندازه
مشخصهٔ آوایی /k/:	آغازی /kær/	کَر	آغازی /gær/	گَر
همخوان، انسدادی،	میانی /pækær/	پَکر، ناراحت	میانی /ʂækær/	شکر
نرم‌کامی، بی‌واک	پایانی /mek/	پُر، لبریز	پایانی /meq/	پُر، لبریز
مشخصهٔ آوایی /g/:	آغازی /gæl/	گروه، دسته	آغازی /kæl/	شکاف
همخوان، انسدادی،	میانی /ʔager/	آتش	میانی /ʔaxer/	آخر
نرم‌کامی واک‌دار	پایانی /væLg/	برگ	پایانی /hæLg/	تلاش زیاد
مشخصهٔ آوایی /q/:	آغازی /qæn/	قند	آغازی /kæn/	چاله
همخوان، انسدادی، پس	میانی /tæqæ/	صدای در	میانی /tævæ/	نگران
نرم‌کامی، بی‌واک	پایانی /saq/	سالم	پایانی /saf/	صاف
مشخصهٔ آوایی /ʔ/:	آغازی /ʔær/	اگر	آغازی /mær/	مگر
همخوان، انسدادی،	میانی /mêʔar/	گذران زندگی	میانی /tʔar/	اسم خاص
چاکنایی بی‌واک				
مشخصهٔ آوایی /f/:	آغازی /faL/	فال	آغازی /saL/	سال
همخوان، سایشی، لب و	میانی /tafaæ/	صدای آب	میانی /tazæ/	تازه
دندانی، بی‌واک	پایانی /mef/	آب بینی	پایانی /meʒ/	زغال افروخته
مشخصهٔ آوایی /v/:	آغازی /va/	باد	آغازی /ga/	گاو
همخوان، سایشی، لب و	میانی /tævæ/	نگران	میانی /tæmæ/	طمع
دندانی، واکنار	پایانی /ʂêv/	بهم‌زدن	پایانی /ʂêt/	گیج
مشخصهٔ آوایی /s/:	آغازی /sæm/	سهم	آغازی /zæm/	زخم
همخوان، سایشی،	میانی /mæsini/	می‌خرد	میانی /mæʂini/	ضربه‌زدن
دندانی-لثوی، بی‌واک	پایانی /ras/	راست	پایانی /mas/	ماست
مشخصهٔ آوایی /z/:	آغازی /zæL/	نی	آغازی /ʂæl/	لنگیدن
همخوان، سایشی،	میانی /tazæ/	تازه	میانی /tataæ/	تازه
دندانی-لثوی، واکنار	پایانی /mez/	مُرد	پایانی /meʒ/	زغال افروخته
مشخصهٔ آوایی /ʒ/:	آغازی /ʒæŋ/	زنگ آهن	آغازی /zæŋ/	زنگ
همخوان، سایشی، لثوی-	میانی /mæʒæni/	می‌نواخت	میانی /mæxæni/	می‌خندد
کامی، واکنار	پایانی /meʒ/	زغال افروخته	پایانی /mex/	مُخ
مشخصهٔ آوایی /x/:	آغازی /xæt/	خط	آغازی /hæt/	آمدن
همخوان، سایشی، پس	میانی /mæxæni/	می‌خندد	میانی /mækæni/	حفر می‌کند
نرم‌کامی، بی‌واک	پایانی /mex/	مُخ	پایانی /mef/	آب‌بینی

همخوان	گویش لکی	معادل فارسی	جفت‌های کمینه	فارسی
مشخصهٔ آوایی /ʃ/:	آغازی /ʃæk/	گوسفند	آغازی /jæk/	جک (ماشین)
همخوان، سایشی، لثوی-	میانی /mæʃæni/	ضربه‌زدن	میانی /mækæni/	حفر می‌کند
کامی، بی‌واک	پایانی /maʃ/	ماش	پایانی /mas/	ماست
مشخصهٔ آوایی /h/:	آغازی /hær/	همیشه	آغازی /mær/	مگر
همخوان، چاکنایی، سایشی، بی‌واک	میانی /mæhæt/	می‌آمد	میانی /mækæt/	می‌افتاد
مشخصهٔ آوایی /č/:	آغازی /ču/	چوب	آغازی /ju/	جوی آب
همخوان، لثوی، کامی، بی‌واک	میانی /mæčiya/	می‌رود	میانی /mæžiya/	زندگی می‌کرد
	پایانی /mač/	ماچ	پایانی /mas/	ماست
مشخصهٔ آوایی /j/:	آغازی /jæm/	جَم	آغازی /ʃæm/	شمع
همخوان، لثوی، کامی، واکدار	میانی /mæjereni/	شروع کردن	میانی /mægereni/	می‌سوزاند
	پایانی /saj/	وسيله پخت(نان)	پایانی /saz/	ساز
مشخصهٔ آوایی /m/:	آغازی /mar/	مار	آغازی /nar/	نیاور
همخوان، دولبی، خیشومی، واکدار	میانی /tæmæ/	طمع	میانی /ʃæmæ/	شنبه
	پایانی /ʃæm/	شمع	پایانی /ŋæʃ/	فشنگ
مشخصهٔ آوایی /n/:	آغازی /nar/	نیاور	آغازی /mar/	مار
همخوان، خیشومی، داندانی-لثوی، واکدار	میانی /kænen/	می‌آیند	میانی /kæten/	افتادن
	پایانی /zæn/	زن	پایانی /zæn/	زنگ(آهن)
مشخصهٔ آوایی /ŋ/:	میانی /tæŋæ/	تنگه	میانی /tævæ/	نگران
همخوان، نرم‌کام، خیشومی، واکدار	پایانی /gwen/	گیج و گنگ	پایانی /gwem/	گم
مشخصهٔ آوایی /r/:	میانی /pæri/	پَری	میانی /pæri/	پَریدن
همخوان، لرزشی، تک-زنشی، واکدار	پایانی /xar/	خار	پایانی /xal/	خال
مشخصهٔ آوایی /ʃ/:	آغازی /ʃæŋin/	فشنگ، زیبا	آغازی /sæŋin/	سنگین
همخوان، لثوی، لرزشی-چند زنشی، واکدار	میانی /pæri/	پَریدن	میانی /pæri/	پَری
	پایانی /kæɻ/	کَر	پایانی /kæl/	کوچه، شکاف
مشخصهٔ آوایی /L/:	میانی /peLæ/	اولین باران (پاییزی)	میانی /pelæ/	پله
همخوان، لثوی، کناری، لثوی، نرم‌کامی شده، واکدار	پایانی /kæL/	بز کوهی	پایانی /kæl/	کوچه، شکاف



فارسی	جفت‌های کمینه	معادل فارسی	گویش لکی	همخوان
شام	/šam/	آغازی	/lam/ لامپ	مشخصه آوایی /l/ : آغازی
اولین باران (پاییزی)	/peLæ/	میانی	/pelæ/ پله	همخوان، لثوی، کناری، ساده، واکدار
بز کوهی	/kæL/	پایانی	/kæI/ کوچه، شکاف	
زیاد	/feʃæ/	آغازی	/weʃæ/ آنجا	مشخصه آوایی /w/ : آغازی
عمو	/tataæ/	میانی	/tawæ/ ماهی‌تابه	نیم‌واکه، دولبی
می‌آید	/maj/	پایانی	/maw/ می‌شود	پایانی
جارو	/jaru/	آغازی	/yaru/ بارو	مشخصه آوایی /y/ : آغازی
مشخص‌بودن	/diyar/	میانی	/khiyar/ خیار	نیم‌واکه، کامی
شدن	/maw/	پایانی	/may/ می‌آید	پایانی

## جدول (۲)

## همخوان‌های گویش لکی (کوه‌دشت) بر اساس جایگاه و شیوه تولید

جایگاه تولید	دولبی	لبی -	دندانی -	لثوی	لثوی	کامی	نرم‌کامی	پس‌نرم‌کامی	چاکنایی
شیوه تولید	دندانی	دندانی	لثوی	کامی	کامی	کامی	کامی	کامی	کامی
انسدادی	p b	t d		q k g					ʔ
سایشی	f v	s z	š ž				x		h
انسایشی			č j						
خیشومی	m	n					ŋ		
لرزشی			r ř						
کناری تقریبی			L l						
نیم‌واکه	w			y	ÿ				

گویش لکی ۲۷ همخوان دارد. کریمی‌دوستان (۱۳۸۰) اعتقاد دارد که واج /y/ دارای دو واجگونه است و برای دقت در آواشناسی واژگان، آن‌ها را با دو علامت /y/ و /ÿ/ نشان داده است. این واج در آغاز واژه به صورت /y/ ظاهر می‌شود ولی در وسط و پایان واژه به دو صورت /y/ و /ÿ/ آورده می‌شود. /y/ مانند آوای اول کلمه «یخ» در فارسی تلفظ می‌شود. اما در تلفظ /ÿ/ زبان کمی عقب‌تر و نزدیک به نرم‌کام قرار می‌گیرد. این که /ÿ/ فقط در وسط و پایان واژه می‌آید با /y/ که به صورت یک گونه آزاد به کار می‌رود می‌تواند نشانه این باشد که /ÿ/ واج‌گونه‌ای از /y/ است. با این حال می‌توان برای این دو صدا جفت کمینه‌هایی مانند may «می‌آید» و mÿa «ماهی»

پیدا کرد که این خود می‌تواند دلیلی باشد که دو صدا دو واج مستقل هستند و به همین علت هر دو صدا در جدول همخوان‌ها نشان داده شدند.

#### ۴-۱-۲. توصیف واکه‌ها

در این بخش و در جدول شماره (۲) مربوطه به واکه‌های ساده گویش لکی با توجه به شیوه تولید و جایگاه تولید مورد بررسی و توصیف قرار می‌گیرند.

#### ۴-۱-۲-۱. واکه ساده

جدول (۳)

توصیف و طبقه‌بندی واکه‌ها

واکه	گویش لکی	فارسی	جفت‌های کمینه	فارسی
مشخصه آوایی /i:/ واکه،	میانی /šir/	شیر (خوردنی)	میانی /šêr/	شیر (حیوان)
پیشین، گسترده، افراشته، بسته	پایانی /pi/	چربی	پایانی /si/	سی (عدد)
مشخصه آوایی /ê:/ واکه،	میانی /šêr/	شیر (حیوان)	میانی /šir/	شیر (خوردنی)
پیشین، باز، گسترده	پایانی /kê/	کی، چه وقت	پایانی /ki/	چه کسی
مشخصه آوایی /e:/ واکه،	میانی /mel/	گردن	میانی /mil/	میله
میانی، گسترده، بسته	پایانی /me/	من	پایانی /mê/	گوسفند
مشخصه آوایی /æ:/ واکه،	میانی /kæf/	گر	میانی /kêf/	خط و نشان
پیشین، افتاده، باز، گسترده.	پایانی /dæ/	ده	پایانی /du/	دوغ
مشخصه آوایی /a:/ واکه،	میانی /tar/	تار	میانی /tir/	تیر
پسین، باز، افتاده، گسترده	پایانی /pa/	پا	پایانی /pi/	چربی
مشخصه آوایی /o:/ واکه،	میانی /homæ/	شما	میانی /himæ/	هیمه (اسم‌خاص)
میانی، گرد، بسته	پایانی /do/	دو	پایانی /du/	دوغ
مشخصه آوایی /ô:/ واکه،	میانی /zôr/	ظهر	میانی /zor/	زبر
پیشین، میانی، گرد	پایانی /sô/	فردا	پایانی /sa/	بندآمدن (باران)
مشخصه آوایی /ü:/ واکه،	میانی /sür/	عروسی	میانی /sir/	سیر (گیاه خوردنی)
پیشین، گرد، افراشته، بسته	پایانی /dü/	دود	پایانی /dæ/	ده
مشخصه آوایی /u:/ واکه،	میانی /čuL/	خالی، ویران	میانی /čaL/	گودال کوچک
پسین، افراشته، گرد، بسته	پایانی /du/	دوغ	پایانی /da/	مادر

جدول (۴)

واکه‌های ساده گویش لکی

	پیشین		مرکزی		پسین	
	گسترده	گرد	گسترده	گرد	گسترده	گرد
بسته	i	ü				u
نیم‌بسته	e					o
نیم‌باز	ê					ô
باز	æ				a:	

## ۴-۱-۲-۲-۲. واکه مرکب

پژوهش‌های انجام‌گرفته در گویش لکی که به بررسی واکه مرکب در این گویش پرداخته‌اند، بر نبود آن در این گویش تأکید دارند (امیدی، ۱۳۸۸؛ فریدونی، ۱۳۹۰). در این پژوهش‌ها استدلال می‌شود که در ساختار هجایی این گویش هیچ دو واکه‌ای بلافاصله پس از هم قرار نمی‌گیرند و حتی در صورت قرارگرفتن دو واکه در مرز تکواژها، برای جلوگیری از توالی دو واکه فرایندهای حذف یا درج، مانع این توالی می‌شوند. در این راستا استدلال می‌شود که ممکن است چنین به نظر برسد که توالی‌های [aw]، [ow]، [êj]، [aj] در واژه‌های شب [šow]، خواب [xaw]، ندیدم [nejmæ]، پاییده‌ام [pajmæ] واکه مرکب باشند. اگر این توالی‌ها را یک واکه مرکب در نظر بگیریم، این واکه می‌تواند در مرکز هجا قرار بگیرد و بر اساس ساخت هجایی گویش لکی دو همخوان می‌توانند پس از آن قرار بگیرند، اما در عمل همیشه پس از این توالی‌ها بیش از یک همخوان نمی‌آید (امیدی، ۱۳۸۸). این موضوع در مثال‌های زیر نشان داده شده است:

نگذار [nejL]

مشورت [šowř]

علی‌رغم تأکید این پژوهش‌ها بر عدم وجود واکه مرکب باید گفت که بنابر استدلال‌های بیان شده در پژوهش‌های مذکور، نمی‌توان این دیدگاه نظری را پذیرفت. پیش از آغاز بحث، نخست به تعریف واکه مرکب می‌پردازیم. حق‌شناس (۱۳۹۰: ۱۰۵) در تعریف واکه مرکب می‌نویسد که هرگاه در طول تولید یک واکه، اندام‌های گویایی، پیوسته حالت‌های خود را عوض

کنند، به شیوه‌ای که در تمام مراحل تولید، شکل لب‌ها، ارتفاع و حالت زبان دستخوش تغییری تازه شوند، آن را واکه مرکب می‌گویند. واکه‌های مرکب در این گویش عبارتند از: /ey/ در کلمه meyn دادن، /ay/ در کلمه çay چای، /ya/ در کلمه dyar مشخص، پیدا، /aw/ در کلمه kaw رنگ آبی، /æw/ در کلمه dæw دو (دویدن) و /ow/ در کلمه howar پایین.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، جزء دوم این صورت‌ها دوگانه [u]، [i]، [ü] است. نحوه تولید عضو دوم این اصوات دوگانه دارای همه ویژگی‌های تولید واکه است؛ بدین معنی که در هنگام تولید آن‌ها هیچ‌گونه گرفتگی یا سایشی وجود ندارد و در ضمن تولید آن‌ها همراه با ارتعاش تارآواها و در نتیجه ایجاد واک است. بنابراین، از دیدگاه آواشناسی می‌توان صداهای دوگانه یادشده را واکه مرکب به حساب آورد. بر این اساس، می‌توان گفت که همانند بسیاری از زبان‌های دیگر در گویش لکی کوه‌دشت واکه مرکب وجود دارد (کریمی‌دوستان، ۱۳۸۰: ۳۶).

حال باید عملکرد این مجموعه‌های دوصدایی که از نظر آوایی مرکب هستند را به لحاظ واجی مورد بحث قرار داد. در این راستا، کریمی‌دوستان طی استدلالی از ثمره (۱۳۶۳) نقل می‌کند که می‌نویسد از دیدگاه واج‌شناسی، کنار هم قرارگرفتن دو واکه را هنگامی می‌توان یک واکه مرکب به حساب آورد که دو جزء آن بر روی هم نقش یک واکه واحد را ایفا کنند، یعنی جزء دوم از جزء اول آن قابل تجزیه نباشد. کریمی‌دوستان (۱۳۸۰) استدلال می‌کند که شرایط واجی یادشده در آواهای دوگانه از جمله /ay/ در کلمه çay چای، /ya/ در کلمه dyar وجود ندارد، زیرا جزء دوم این مجموعه‌های دوصدایی هنگام اضافه‌شدن یک واکه از جزء اول جدا می‌شود و در جایگاه همخوان آغازی هجای بعدی قرار می‌گیرد. به این مثال‌ها توجه کنید:

ca/ya چای در معنی معرفه و معین  $\rightarrow$  çay+a چای در معنی نکره نامعین

ka/wa آبی در معنی معرفه و معین  $\rightarrow$  kaw + a رنگ آبی

در این‌جا می‌توان به این نتیجه رسید که جزء دوم این صداهای دوگانه نقش همخوانی به عهده دارد و جزئی از واکه مرکزی نیست. به طور کلی می‌توان گفت که اصوات دوگانه (/ay/، /ya/) از نظر آواشناسی واکه مرکب هستند ولی از دیدگاه واج‌شناسی نمی‌توان آن‌ها را واکه مرکب دانست. به همین دلیل است که جزء دوم برخی از آن‌ها به صورت /w/ و /y/ نشان داده می‌شود (کریمی‌دوستان، ۱۳۸۰).

## ۴-۲. ساختمان هجا در لکی

با توجه به تعاریف متعددی که زبان‌شناسان از هجا ارائه داده‌اند، می‌توان گفت «هجا عبارت است از رشته‌ی آوایی پیوسته که از یک واکه و از یک تا سه همخوان تشکیل شده است. منظور از «رشته‌ی آوایی پیوسته» آن است که اجزای سازنده‌ی هجا طی یک فرآیند تولیدی بدون مکث تولید می‌شوند. واکه به منزله‌ی مرکز یا هسته یا محور هجا و همخوان در حکم حاشیه یا دامنه‌ی آن است» (ثمره، ۱۳۸۵: ۱۰۸). هجا، در گویش لکی کوه‌دشت، دارای حداقل یک عنصر هجایی است که به عنوان مرکز هجا عمل می‌کند و قبل از آن حداقل یک و حداکثر ۲ همخوان وجود دارد. بعد از این عنصر هجایی حداکثر دو همخوان می‌توانند قرار بگیرند که وجود آن‌ها در ساختار هجا اختیاری است. ساختمان هجا در این گویش به صورت جدول (۵) است.

## جدول (۵)

## ساختمان هجا در گویش لکی

ساختمان هجا	مثال	معادل فارسی
CV	ga	گاو
CVC	wæt	خوابید
CCV	xwa	نمک
CVCC	merd	مرد
CCVC	brat	برادرت
CCVCC	kwešt	کشت

ساخت هجایی CV یعنی هجا، مطابق جدول (۶) از یک همخوان در آغاز و یک واکه در هسته تشکیل شده است.

## جدول (۶)

## ساخت هجایی CV

CV	مثال	معادل فارسی
CV	pa	پا
CV	xa	تخم مرغ
CV	si	سی

ساخت هجایی CVC یعنی هجا از یک همخوان در آغاز، یک واکه در هسته و یک همخوان در پایانه تشکیل شده است.

## جدول (۷)

## ساخت هجایی CVC

CVC	مثال	معادل فارسی
CVC	siir	شور(مزه)
CVC	maL	خانه
CVC	vet	گفت

ساخت هجایی CCV یعنی هجا از دو همخوان در آغاز، یک واکه در هسته تشکیل شده است.

## جدول (۸)

## ساخت هجایی CCV

CCV	مثال	معادل فارسی
CCV	twæ	توبه
CCV	dwa	دعا
CCV	xwa	نمک
CCV	šyæ	ساده، خودمانی

ساخت هجایی CVCC یعنی هجا از یک همخوان در آغاز، یک واکه در هسته و پایانه از دو همخوان تشکیل شده است.

جدول (۹)

ساخت هجایی CVCC

CVCC	مثال	معادل فارسی
CVCC	nærm	شور(مزه)
CVCC	ništ	نشست
CVCC	kerk	کمر

ساخت هجایی CCVC یعنی هجا دارای دو همخوان در آغاز، یک واکه در هسته و یک همخوان در پایانه است.

جدول (۹)

ساخت هجایی CCVC

CCVC	مثال	معادل فارسی
CCVC	hwær	خورشید
CCVC	gwær	گوساله
CCVC	qwel	پا

ساخت هجایی CCVCC یعنی هجا از دو همخوان در آغاز، یک واکه در هسته و دو همخوان در پایانه تشکیل شده است.

جدول (۱۰)

ساخت هجایی CCVCC

CCVCC	مثال	معادل فارسی
CCVCC	hward	خورد
CCVCC	hwešk	خشک
CCVCC	kwelk	کُرکی

## ۴-۲-۱. همخوان‌های آغاز واژه / هجا

در این گویش، به جز همخوان‌های /L/، /r/ و /ŋ/ که در جایگاه پایانه هجا ظاهر می‌شوند، همه همخوان‌ها در جایگاه آغازین واژه قرار می‌گیرند؛ بدین سبب که این همخوان‌ها همیشه پس از هسته هجا یا واکه می‌آیند. چنان‌چه این همخوان‌ها در یک واژه چندهجایی ظاهر شوند، در تقسیم‌بندی هجایی به واکه قبل از خود ملحق می‌شوند نه به واکه‌ای که پس از آن‌ها آمده است. بنابراین اگر واکه‌ای بلافاصله بعد از این همخوان‌ها بیاید، واکه آغازبودن هجای بعدی امری حتمی است. بسامد وقوع همخوان‌ها در آغاز واژه‌ها متفاوت است. همخوان /w/ در آغاز واژه بسامد بسیار پایینی دارد و در محدود کلماتی مانند خود /weʒ/ و آن‌جا /weřæ/ به کار می‌رود.

## ۴-۲-۲. همخوان‌های پایان واژه / هجا

همخوان /h/ تنها همخوانی است که در این گویش توانایی ظاهرشدن در پایان واژه را ندارد. بسامد وقوع همخوان‌ها در پایان واژه‌ها متفاوت است. برخی همخوان‌ها مانند /w/ بسامد بسیار بالایی در پایان واژه دارند. از سوی دیگر، همخوانی مانند /v/ دارای بسامد بسیار پایینی در پایان واژه است به طوری که در کلماتی مانند [šêv] (به‌هم‌زدن) و [dev] (دیو) دیده می‌شود.

## ۴-۲-۳. خوشه‌های همخوانی

خوشه‌های همخوانی در این گویش در آغاز و پایان هجا می‌آیند و حداکثر تعداد همخوان در خوشه‌های پایان واژه در این گویش دو همخوان می‌باشد.

## ۴-۲-۳-۱. خوشه‌های همخوانی در آغاز هجا

در گویش لکی خوشه‌های همخوانی در آغاز هجا از یک همخوان انسدادی بی‌واک و یکی از دو نیم واکه /w/ و /y/ ساخته می‌شود. همچنین، در ساخت‌های هجایی با دو همخوان در آغاز، همخوان دوم فقط می‌تواند /w/ یا /y/ باشد. مثال‌های جدول (۱۱) نمونه‌هایی از این خوشه‌های همخوانی در آغاز هجا هستند.



## جدول (۱۱)

نمونه‌هایی از خوشه‌های همخوانی در آغاز هجا

معادل فارسی	مثال	خوشه همخوانی
پسر	kwer	/kw/
گل	gweL	/gw/
ترش	twerš	/tw/
جگر	jyær	/jy/
اسم خاص	hyær	/hy/
اسم مکان	byær	/by/

## ۲-۳-۲-۴. خوشه‌های همخوانی در پایان هجا

حداکثر تعداد همخوان‌ها در خوشه‌های پایان هجا دو همخوان است. خوشه‌های جدول (۱۲)

پربسامدترین خوشه‌های پایانی در این گویش هستند.

## جدول (۱۲)

پربسامدترین خوشه‌های پایانی در گویش لکی

معادل فارسی	مثال	خوشه همخوانی
عکس	ʔæks	/ks/
مغز	mæzg	/zg/
کفر	kefr	/fr/
پخش	pæxs	/xs/
وزن	væzn	/zn/
مُشت	mešt	/št/

## ۵. نتیجه‌گیری

این پژوهش به توصیف نظام آوایی گویش لکی کوه‌دشت پرداخت و همخوان‌ها، واکه‌ها، ساختمان هجا و خوشه‌های همخوانی این گویش را بررسی کرد. برای شناسایی و معرفی همخوان‌ها و واکه‌ها از روش تطابق جفت‌های کمینه استفاده شد و امکان توزیع واج‌ها در سه موضع آغازی، میانی و پایانی در کلمات این گویش بررسی شد. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است

که فهرست همخوانی گویش لکی ۲۷ واج دارد. این واج‌ها شامل هشت واج انسدادی /p, b, t, / و هشت واج سایشی /d, k, g, ʔ/ و هشت واج سایشی /f, v, s, z, š, ž, x, h/ دو واج انسایشی /č, j/ سه واج خیشومی /m, n, ŋ/ و دو واج لرزشی /r, ř/ دو واج تقریبی /y, w/ و دو واج کناری /L, l/ هستند.

فهرست واکه‌ای گویش لکی نیز متشکل از ۹ واکه ساده /u, ü, o, ô, a, e, ê, æ, i/ و شش واکه مرکب /ow/, /ay/, /ey/, /æw/, /aw/, /ya/ است. ساختمان هجا در این گویش به صورت C(C)V(C)(C) است. هجا در این گویش چه در جایگاه آغازی و چه در جایگاه پایان، خوشهٔ بیش از دو همخوان ندارد. همچنین، در ساخت‌های هجایی با یک همخوان در آغاز، همخوان‌های /L, ŋ, r/ نمی‌توانند در آغاز هجا قرار بگیرند و در ساخت‌های هجایی با دو همخوان در آغاز، همخوان دوم فقط می‌تواند /w/ یا /y/ باشد.

### منابع

- امان‌الهی بهاروند، اسکندر. (۱۳۷۰). قوم لر: پژوهشی درباره پیوستگی قومی و پراکندگی جغرافیایی لرها در ایران. تهران: آگه.
- امیدی، عباس. (۱۳۸۸). نظام آوایی گویش لکی دلفان در چارچوب واج‌شناسی زایشی. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- ثمره، یدالله. (۱۳۸۵). آواشناسی زبان فارسی. چ ۱۰. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حق‌شناس، علی‌محمد. (۱۳۹۰). آواشناسی (فونتیک). چ ۱۳. تهران: آگه.
- دبیرمقدم، محمد. (۱۳۹۳). زبان‌شناسی نظری (پیدایش و تکوین دستور زایشی). تهران: سمت.
- رحیمی عثمانوندی، رستم. (۱۳۷۹). بومیان درهٔ مهرگان: تحقیقی پیرامون قوم لک یا بومیان درهٔ مهرگان کده (سیمره) از عصر حجر تاکنون. کرمانشاه، ماهی‌دشت.
- شهبازی، عبدالله. (۱۳۶۹). مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر. تهران: نی.
- فریدونی، مجید. (۱۳۹۰). بررسی نظام آوایی گویش لکی ترکاشونی در چارچوب واج‌شناسی زایشی. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- کریمی‌دوستان، غلامحسین. (۱۳۸۰). کردی/ایلامی: گویش بدره. انتشارات دانشگاه کردستان.
- میرچراغی، سیدفرهود. (۱۳۷۱). بررسی ساختمان دستوری گویش لکی خواجهوندی کلاردشت. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. تهران: دانشگاه تهران.

میردهقان، مهین‌ناز. محمد نوری و نیلوفر حسینی کارگر. (۱۳۹۳). توصیف واژه‌های ساده در گویش لکی نورآبادی در قیاس با زبان فارسی. *زبان‌شناخت*، ۵ (۲)، صص. ۱۶۳-۱۸۲.

ناطوریان، مهرناز. (۱۳۸۳). *نظام آوایی گویش لکی هرسین از دیدگاه انگاره‌وارشناسی زایشی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

- Anonby, E. (2004). *Kurdish or Luri. Laki's disputed identity in the Luristan province of Iran. Kurdische Studien*, 4(5), pp. 7-22.
- Lazard, G. (1992). *Le dialecte laki d'Aleshtar (kurde méridionale)*, *Studia Iranica*, XXI : 215-245.
- Minorsky, V. (1986). *Lak*. The Encyclopaedia of Islam, vol. V: 616-617.
- Windfuhr, G. (1989). Western Iranian dialects, in: R. Schmitt (ed.), *Compendium Linguarum Iranicarum*, Wiesbaden: Reichert, pp. 294-295.

## **Phonological System Of Laki Dialect In Kouhdasht: A Survey**

**Gholamhossein Karimi-Doostan  
Ramieh Geravand  
Vahid Gholami  
Omid Varzandeh**

### **Abstract**

The present study investigates and explains the consonants and vowels, the syllable structure, and also the consonantal clusters in the Laki dialect of Kouhdasht. The research method is analytic–descriptive. The data in this study was collected through field study by recording the speech of speakers with an average age of 30-70 years. In addition, we have used one of the writer's linguistic intuition who is the native speaker of this dialect as well as the written sources in this connection. The data has been transcribed according to the International Phonetic Alphabet "IPA". The results of the research indicate that the phonological system of this dialect has 27 consonants. The dialect list of vowels also consists of nine simple vowels and six compound vowels. The syllable structure in this dialect is C (C) V (C) (C). Also, in this dialect, there are no more than two consonant clusters, either at the beginning or at the end of the syllable. The research results show that in the mentioned dialect in syllable structures with one consonant in their onset, the consonants /L, ŋ, r/ cannot occur at the onset of a syllable, and in syllable constructions with two consonants at the beginning, the second consonant can only be /w/ or /y/ and no other consonant can be.

**Keywords:** Laki Dialect, Consonant, Vowel, Syllable Structures, Consonant Clusters